

چون زکریا این سوال کرد مریم اشاره نمود که **فاشار الیه**
 یعنی از وی سوال کنید پس ایشان همه در تعجب افتادند یکی گفت **تکلم**
 یعنی هرگز طفل در دوزن در عهد سخن گفته است زکریا
 بدانست بنور معجزه که البته درین معامله ستری هست ایشان را
 در پیش گهواره رفت و نظر کرد نوری دید که مثلاً آن هرگز نکرده
 پس سوال کرد که توجه کسی عیسی علیه السلام با مریم است
 درآمد فرمود **انی عبد الله اتانی وجعلنی مبارکاً انما انت**
واوصانی بالصلاة والزکوة ما دمت حیا یعنی ای پسر من
 و تعالی مطلع الاسرار است و میدانیست که جمعی گمراهان اوست
 غمناکی خواهند پرستید اول سخنی که بر زبان او برفت
 این گفت که من نبی خدا و اولاد و اولاد کتاب الله تعالی
 و مرا گردانیده به پیغمبری و آورنده غار و زکوة ام مادام که
 حیات باشم **در طایفه دیگر** فرموده که اسم من مسیح است
 و عیسی برکم و بنده خداوندیم در دنیا و آخره و سخن
 رسانم بر دمان یعنی در گهواره و بعد در نوزاد و مراد از

بنویس

بنویس یعنی زبان نبوت و مرابا من کن فیکون یا فرید پیغمبر
 و بدستی که الله تعالی خداوند منست و خداوند شما نیستند و
 او کنید که اینست راه راست صدوا الی العظیم اگر چه قصه عیسی
 بختار اما این مقدار حجت مناسب مکان گفته شد و الله اعلم
فصل دوم **ان الله اصطفیٰ و طهرک علی سائر العالمین**
 حای فرموده تعالی پس الله را پاک و طهارت و شرف او بخداوندی فرموده و فردا
 در بهشت حرم حضرت رساله نیاه محمدری خواهد بود صلوات الله
 علیهم اجمعین اما این مسئله بدانکه او بهترین زبان عالم است و **اقا فضیلة**
 عائشه و فاطمه از وی زیاده تر است **و یکر سبب آمدن**
سیم و حکم تیم بدانکه الله سبحانه و تعالی از بسیاری فضل
 که بر او نهاده بفرموده صلوات الله علیهم یکی تیم است **و دیگر**
سیم همه روی زمین برای امة او مسجد گردانند که در اجماع
 مسلمانان است و بعد از آنکه بفرستند عبادت ایشان در پیش نبوت
 و بعد از آنکه بفرستند عبادت حرام بودی و بر امة محمد